



دکتر خدیجه گرشاسبی که امروز از اعضای شورای شهر بوشهر است، در دوران دفاع مقدس نوجوانی یازده، دوازدهساله بود. خانم گرشاسبی در این گفت وگو خاطرات نابسی از آن دوران را بازگو کرده‌اند؛ از بانوان مجاهدی برایمسئمن سخنگ گفت که در پشت جبهه‌ها خالصانه برای رضای خدا کار می کردند و در آماده‌سازی مایحتاج زمزمندگان تلاش می کردند. صحبت‌های ایشان را می خوانید:
سید محمد مشکوه‌الممالک

دکتر خدیجه گرشاسبی متولد مرد اردیبهشت ۱۳۴۸ شهر بوشهر، عضو شورای شهر و مسئول برگزاری کلاس‌های آمادگی برای ازدواج زوجین هستم. تولدم مصادف با تولد حضرت خدیجه(س) است و این به عقیده‌ام سعادت بزرگی بود که منمیم شده است. از بركات همین ماه و همزمانی آن میلاد خجسته پیامبر اکرم و به دنیا آمدن در خانواده‌ای معتقد بود که سعادت دینداری نصیب شده است. من در خانواده‌ای بسیار متدین بزرگ شدم و علاقه شدیدی به ورود خود به حوزه علمیه داشتم تا اینکه در سن ۱۴ سالگی یعنی سال ۱۳۶۶ با آرزوی دیرینه خود رسیدم و وارد حوزه شدم.



برگزاری کلاس‌های آمادگی برای ازدواج زوجین
کلاس آمادگی برای زوجین، کلاس بر تنشی است و در سراسر کشور برگزار می‌شود.زوجین به‌خاطر ثبت ازدواج باید در این کلاس‌ها حضور داشته باشند و گواهی دریافت کنند.
فعالیت بانوی بوشهری در عرصه خیرین
بنده بعد از شش فرزند که همگی زمان تولد فوت کردند به دنیا آمدم.به خاطر فوت شش فرزند قبلی، مادرم نذر کرد که اگر سالم به دنیا بیایم، تا قبل از سن تکلیف هر سال در ایام عزاداری سیدالشهدا پای برهنه به عزاداران حسینی در تعزیه شربت بدهم من هم از دوسالگی تا نه سالگی در این ایام مشک شربت به دوش می کشیدم و به عزاداران خدمت می کردم. گمان می‌کنم

همه‌چیز بهم ریخته بود، نه دولتی نه نظامی نه مقرراتی، هرکس خودش تصمیم می‌گرفت که چه کار کند، ماموریت افراد را اوضاع و احوال زمان و مکان تعیین می‌کرد.انگار همه از هیچان انقلابی در حال خلافت و ابتکار عمل بودند. در عین بی‌نظمی ظاهری، به نظر می‌رسید که یک نظم هدفمند این سیل پرشور و خروشان مردمی را ناخودآگاه به ساحلی امن هدایت می‌کند. ارتباط دل‌ها هر لحظه مستحکم‌تر می‌شد؛ نخبگان حیران و مردم کوچه و بازار امیدوار حرکت می‌کردند. کسبی یارای توقف این موج عظیم مردمی از انقلابی را که به سرعت پیش می‌رفت نداشت. مردم از جان مایه می‌گذاشتند آنچه همه را به خط می‌کرد، عشق به مقتدا بود، کلام او در عمق وجود همه می‌نشست، نگاه او لدتی وصفناپذیر داشت، به نظر می‌رسید همه خواسته‌ها در اراده خدایی وجود او جمع بود. گویی وصل به منبع لایزال الهی است، مانده کوه ایستاده بود از هیچ کس و هیچ‌چیز جز خدا نمی‌ترسید، عشق به انقلاب و مردم داشت، با تمام وجود پنداری مردم بود، حوادث و وقایع را به خوبی مدیریت می‌کرد، به همه امید می‌داد، می‌دانست به کجا می‌رود، با برهنه‌ها بر کاخ‌نشینان و مرفیقین ی‌برد ترجیح می‌داد و آنها را صاحبان اصلی انقلاب می‌دانست، ابرقدرت‌ها درازی، در او تاثیر نداشتند، قدرت اصلی را خدا می‌دانست، به آینده کاملاًامیدوار بود و امید خود تمام خیمت(ره)،

مرتضی نجفی علمی

ابتکاری که اسلام و ایران را بیمه کرد

کمر حکومت نظامی و رژیم پهلوی با تصمیم الهی و بموقع این بزرگمرد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ شکست، با ایجاد فرصت طلایی، ده‌ها هزار سلاح و مهمات را پادگان‌ها خارج شد، کالتری‌ها و مراکز دولتی به دست مردم افتاد، سرکرده‌ها و وابستگان به سوارگی‌ها فرار را برقرار ترجیح دادند و نظام طاغوت سرنگون شد. هیچ قاعده‌ای که مردم را به یک نظم عمومی دعوت کند وجود نداشت، ایسن وضع می‌رفت تا به بحرانی بزرگ و غیرقابل کنترل تبدیل شود، چرا که مخالفین انقلاب، ساواکی‌ها و عناصر باقی‌مانده رژیم طاغوت، مجرمین خطرناک آزاد شده از زندان‌ها، گروه‌های چپ و راست و دشمنان تا دندان مسلح خارجی، اعم از بلوک شرق و غرب و رژیم‌های وابسته به عربی‌بود، و همه در یک فعالیت و بهره‌گیری از وضع به ظاهر ناپاسامان موجود بودند، آنها کاملاً سازمان‌یافته و



اگر امروز به توفیق خدمت به اهل بیت(ع) و مجان آن بزرگواران رسیدم‌به به خاطر همان اتفاقات بوده است. بعد از ازدواج از بوشهر رفته و وقتی به بوشهر بازگشتم فعالیت در حوزه علمیه بوشهر را آغاز کردم همواره سعی کردم در حد توان با کمک‌های مادی و معنوی یاران از نیازهای مردم را برطرف کنم. به‌خاطر دارم یک بار برای رفغ نیاز فرد نیازمندی که به من مراجعه کرده بود با اجازه همسرم تمام التگوهایم را فروخته و هزینه عمل جراحی آن شخص را دادم.

یک بار هم هزینه رهن خانه فردی را تهیه کردم که خانه نداشت و زندگی‌اش داشت از هم می‌پایید. اینکه می‌دانم زندگی آن فرد سامان گرفت و حالا دو فرزند دارد حال خوشی به من می‌دهد. این را باور کنید که کار خیر



داشتن دو پسر مؤمن و متعدد به شئون اسلامی و همچنین همسری مؤمن از اثرات این کارهست. فرزندان من تا به امروز کوچک‌ترین رفتار نامناسبی با من نداشته‌اند. یکی از پسرانم خادم اهل بیت و قاری قرآن است. فرزندانم نماز جماعتشان ترک نمی‌شود و این همه به برکت خدمت در خانه اهل بیت(ع) و حوزه علمیه است.
استان بوشهر پیشقدم در دفاع از حیثیت وطن
استان بوشهر، استانی است که در زمینه‌های فرهنگی، به‌ویژه زمینه دفاع از حیثیت سرزمین پیشقراول بوده است. اگر تاریخ را مطالعه کنیم، اولین مبارزات مسلحانه علیه استعمارگرها که توسط این پیشروی دشمنان انگلیسی جلوگیری کند، در شهر بوشهر انجام شد که مرکز آن بود. فرمانده بزرگ دفاع در برابر حضور



غذایی و همچنین شستشوی لباس برداران و زمزمندگان فعالیت داشتیم.
عشقی که ما را پشت جبهه فعال‌تر می‌کرد
شاید این سؤال مطرح شود که چه چیزی باعث شد که ما ساعت‌ها و روزها در کنار مادران می‌نشستیم و کار پخت نان، بسته‌بندی مواد غذایی و شستن و بسته‌بندی قند را انجام می‌دادیم و خسته نمی‌شدیم؟!
عشق به انقلاب، عشق به حضرت امام (ره) و وطن و عشق به برداران رزمنده بود و من این را از ته قلبم عرض می‌کنم این عشق و حس به وطن ما را جذب و حمایت می‌کرد که در پشت جبهه فعالیت کنیم و آن حس عشق را بیشتر می‌کرد و عشق به انقلاب را برای ما پررنگ‌تر می‌ساخت.



و جوانان ما بتوانند آن را لمس کنند، مطمئناً معنویت می‌تواند برگردد. همان معنویتی که ما در دوران هشت سال دفاع مقدس داشتیم. چراکه بعضاً جوان می‌بیند منم به‌عنوان یک خادم بیسان معنویت دارم، ولی عمل معنوی ندارم، اما اگر معنویت در عمل من متجلی شود، جوان می‌تواند آن معنویت را بگیرد. معنویت را از من یاد می‌گیرد.

مطمئن باشید هرچه بتوانیم در فضاهای علمی و معنوی فرزندانمان را بیشتر کنیم، توانسته‌ایم آن معنویت را برگزانییم. الان معنویت برخی از فرزندان ما را زنده‌یاند. باید بتوانیم این معنویت را برگردانیم و این اقدام با همان حماسه‌ها و ایثارهای بچه‌های ما در دوران دفاع مقدس و خاطرات رزمندگان ما در آن دوران تقویت می‌شود.

شب گذشته خاطره‌ای از شهید صیاد شیرازی خواندم که امروز در کلاس آموزش قبل از ازدواج هم بیان کردم. شهید صیاد شیرازی اهمیت والایی به نماز اول وقت داشتند. این خاطره خیلی برام زیبا بود که ایشان سوار قطار شده بودند و به‌طرف مناطق عملیاتی دفاع مقدس می‌رفت. قبل از سفر با معاون خودش هماهنگ می‌کند و می‌گوید: «شما بروید به مسئولان بگویید که حرکت قطار را طوری تنظیم کنند که برای نماز اول وقت به ایستگاه برسد.» وقتی از ایشان سؤال می‌کنند: «چه چیزی باعث این همه ارزش و مقام والا و پیشرفت شما شد؟» می‌فرمایند: «نماز اول وقت».

ما می‌توانیم با بهره‌مندی از خاطرات جوانانمان، رزمندگان و خاطرات فرماندهان ما که شاخص هستند، معنویت را تقویت کنیم.

تلاش نظام شاهنشاهی برای کمرنگ کردن نهاده‌ا و رفتارهای دینی
نظام شاهنشاهی همواره تلاش می‌کرد نهاده‌ا و رفتارهای دینی را کمرنگ کند اما اعتقادات مذهبی و علاقه به اسلام و تشیع اتفاقی نبود که ناگهان وارد زندگی مردم ایران شده باشد.

به عقیده بنده، اگر تلاوم رفتارهای اسلامی در وجود فرزندان آن دوران دیده می‌شد به خاطر تأثیرات تربیت خانوادگی بود نه تعاملات اجتماعی. یادم می‌آید روزی در زمان نماز برای مراسم تولد فرح پهلوی در مدرسه‌مان رقص و یاکوبی بود و من به خاطر امتناع از برداشتن روسری از سرم و ترفتن به مجلس جشن تنبیه شدم یک ساعت تمام مسئولان مدرسه شتکم زدن و تنبیه‌ام کردند به خاطر سن کمم می‌هوش شدم ولی در همان حال و احوال خوشحال بودم که به آن مجلس نرفتم. اکنون خرسندم و خدا را شاکرم که زیباترین اثری که حضرت زهرا(س) برای بانوان مهیا کرد یعنی همان حجاب، حجب و حیا زهرایی را بر سر دارم.

یک ستاره از آن هزار

کفشدار

ابوالقاسم محمدزاده



آسمان شهادت را نگاه می‌کنم که پر از ستاره‌های درخشان است. ستاره‌هایی که هر کدام جلوه خاصی دارند و بر دفتر زندگی و حیات‌شان می‌درخشند و نقشی از نور و دفتر زرین حماسه و ایثار می‌زنند. آن را ورق می‌زنم؛ جهادگر شهید محمد ابراهیم ایوانی خرداد ۱۳۳۶، هنگام

اذان مغرب در محله طبرسی مشهدی، با ده به عرصه گیتی نهدام بود. با عبور از دوران کودکی، از ۱۱ سالگی به طور جدّی به کار مشغول شد و همزمان، شب‌ها در کفشداری حرم به زوار امام رضاع) خدمت کرد. در کودکی قرآن را به خوبی فرا گرفته بود و بارها موفق به دریافت جایزه از سوی بستگان و اساتید قرآن شد.

وقتی به دوره دبیرستان پاگذاشت با آثار سیاسی و دینی و کتب مرحوم دکتر علی شریعتی آشنا شد و اطلاعات سیاسی و مذهبی خود را افزایش داد. پس از اخذ دیپلم در دوره دبیرستان در انستیتو تکنولوژی مشهد مشغول به تحصیل در رشته راه و ساختمان شد. در آنجا با همفکری و همراهی تعدادی از دوستان دانشجویش، انجمن اسلامی تشکیل داد. در همین دوران دو بار توسط مأمورین ساواک دستگیر شد ولی چون نتوانستند هیچ کتاب و نوار غیرمجازی از او بگیرند، رهایش کردند.

با اوج‌گیری انقلاب اسلامی به رهبری روحانیت، در راهپیمایی‌ها و پخش اعلامیه‌های رهبران انقلاب در شهر مشهد بود و گاهی مقالاتی درباره مسائل روز و انقلاب اسلامی می‌نوشت و خواهرانش را وادار می‌کرد که در محافل زنانه این مقالات را بخوانند تا به خیزش عمومی علیه حکومت پهلوی، کمک کرده باشند.

پایان تحصیلاتش مصادف با تأسیس جهاد سازندگی در خردادماه سال ۱۳۵۸ بود. او از همان ابتدای تأسیس جهاد سازندگی در این نهاد انقلابی مشغول به کار شد تا به محرومین جامعه کمک کرده باشد و مرجع انقلاب اسلامی؛ ابتدا در جهاد مشهد، سپس فرمان و بخش احمدآباد در کمیته عمران فعالیت داشت. در اوایل جنگ در سال ۱۳۵۹ یک بار به جبهه جنگ رفت.

در مهر ۱۳۵۹ ازدواج کرد و مراسم عقد ازدواجش را بدون هیچ تشریفاتی در حرم حضرت رضاع) به انجام رساند. شش ماه بعد در ۲۲ فروردین ۱۳۶۰ از برگزاری مراسم رسمی ازدواج خودداری کرد و هزینه عروسی را با توافق همسرش برای کمک به جبهه‌ها به حساب جنگ واریز کردند.

دومین بار در سالال ۱۳۶۰ به جبهه اعزام شدد و پس از بازگشت، مدت یک سال مسئولیت جهادسازندگی کلات را عهده‌دار گردید.

در سالال ۱۳۶۱ خود را برای بازسازی مناطق جنگی به تهران معرفی کرد و مسئولین او را برای عضویت در شورای سرپرستی جهاد سازندگی اندی‌مشک انتخاب کردند. محمدابراهیم کی سال و نیم به آنجا خدمت کرد. در مهر ۱۳۶۴ برای ادامه تحصیل در رشته مهندسی راه و ساختمان وارد دانشگاه فردوسی گردید. ایوانی در ۲۲ اسفند ۱۳۶۴ بر حسب نیاز جبهه‌ها، بار دیگر به جبهه اعزام شد و مسئولیت احداث کانالی را در شهر قاو و او سپردند. این کانال که انتقال آب اروند به کار خانه نمک را انجام می‌داد باعث تثبیت عملیات والفجر هشت شد. در مهر ۱۳۶۴ برای ادامه تحصیل در رشته مهندسی راه و ساختمان وارد دانشگاه فردوسی گردید. ایوانی در ۲۲ اسفند ۱۳۶۴ بر حسب نیاز جبهه‌ها، بار دیگر به جبهه اعزام شد و مسئولیت احداث کانالی را در شهر قاو و او سپردند. این کانال که انتقال آب اروند به کار خانه نمک را انجام می‌داد باعث تثبیت عملیات والفجر هشت شد. در مهر ۱۳۶۴ برای ادامه تحصیل در رشته مهندسی راه و ساختمان وارد دانشگاه فردوسی گردید. ایوانی در ۲۲ اسفند ۱۳۶۴ بر حسب نیاز جبهه‌ها، بار دیگر به جبهه اعزام شد و مسئولیت احداث کانالی را در شهر قاو و او سپردند. این کانال که انتقال آب اروند به کار خانه نمک را انجام می‌داد باعث تثبیت عملیات والفجر هشت شد. در مهر ۱۳۶۴ برای ادامه تحصیل در رشته مهندسی راه و ساختمان وارد دانشگاه فردوسی گردید. ایوانی در ۲۲ اسفند ۱۳۶۴ بر حسب نیاز جبهه‌ها، بار دیگر به جبهه اعزام شد و مسئولیت احداث کانالی را در شهر قاو و او سپردند. این کانال که انتقال آب اروند به کار خانه نمک را انجام می‌داد باعث تثبیت عملیات والفجر هشت شد.

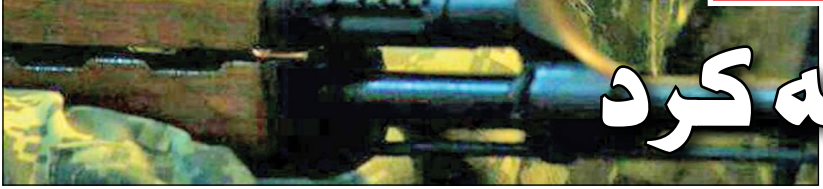
هشت سال دفاع مقدس جنگید و در اوج عملیات‌های مختلف ساسات‌ها در محاصره دشمن بود، شاکرم که در کنار او بتوانم خدمتگزار باشم و فرزندانم تربیت کنم که عاشق شهدا، راه سید و سالار شهدا و خدمتگزار سید بلندگوی مسجد، بلندگوی بسیج و یا محله پخش می‌شد. بنده آن روزها ۱۴ سال بیشتر نداشتم با آن عشقی که به انقلاب داشتیم کنار مادران شهید می‌نشتم و نگاه می‌کردم که این مادران شهید چگونه با عشق تلاش می‌کنند، ایثار و ازخودگذشتگی دارند.



۳۰ خرداد، درگیری‌های مسلحانه خیابانی، توسعه خانه‌های تیمی، ترور و ربع وحشت، راهپیمایی‌های مسلحانه، بمباران‌های صدام، بمب‌گذاری‌های متعدد، ترور رئیس‌جمهور، جریان ۷ تیر و… مواردی بود که هر کدام از این آنها می‌توانست ضربه بزرگی به انقلاب وارد کند که هوشیاران پاسداران و برنامه‌ریزی مناسب با هر موضوع و بخصوص برنامه‌ریزی قوی، منسجم و انقلابی این نهاد و ابتکار شهیدانسه الله لاجوردی، بزرگمرد انقلاب که خدا رحمت کند این عزیز بزرگوار را؛ تحت عنوان مالک و مستاجر؛ چنان سبیلی به سازمان زده شد که برای آنها غیرقابل باور بود به‌گونه‌ای که نفر اول سازمان به سرعت کشور را ترک کرد و به‌دنبال وی اعضای سازمان



مروری بر شکل‌گیری کمیته انقلاب



برای خروج سبقت گرفتند و تنها عضو باقیمانده سازمان برای اداره گروهک در کشور، موسی خیابانی بود، که او هم به دست توانمند پاسداران کمیته و. در یک خانه تیمی به درک اصل شد و پاسدار دهنوی در این عملیات به شهادت رسید… که خدا فرج این شهید و ما را بخشد، کمیته و تمامی شهدا را شان کند؛ با برخورد سنگین پاسداران، سازمان از فاز نظامی به فاز خروج از کشور تغییر رویه داد و اساس کار خود را نفوذ، جمع‌آوری اطلاعات به عنوان سئوسن و پنجم برای صدام گذاشت و دست به چند انفجار بزرگ از طریق نفوذی‌ها زد که آثار جبران‌ناپذیری به دنبال داشت. برخورد این نهاد با سازمان به‌گونه‌ای بود که فرد دوم سازمان چندی ایمن از محاطرات انقلاب را به حدال فرساند. این موضوع می‌تواند پایه یک نظریه‌پرداز نوبن باشد؛ «رمز پایداری انقلاب، حفظ پایه‌ها و ارزش‌های تشکیل‌دهنده و بروز شده آن است».

در کام دوران انقلاب اسلامی و در تلاوم پاسداری برای مدیریت سلامت جامعه، عدالت و انتظام اجتماعی و نظم عمومی با اشراف کامل و داشتن نبض تفکر جامعه، نیاز بود که پشت‌بونه علمی، نظری و عملی داریم و لذا لازم است با واکاوی و تحلیل تجربیات قبلی، وقایع پیش آمده تدابیر به‌کار برده شده و نتایج حاصله، تحولات روز و نگاه به آینده؛ نسبت به نظریه‌پردازان موضوعات، نظم، امنیت، آسایش و آرامش جامعه و تعیین راهبردها، شیوه‌ها و روش‌ها را این خصوص و چگونگی حضور فعال در تصمیم‌سازی در سطوح کلان کشور برنامه‌ریزی کرد. این مهم با ایجاد یک مرکز تخصصی نظریه‌پرداز، متشکل از نخبگان، تصمیم‌گیران، عمل‌کنندگان قابل دستنیایی است. اللهم عجل لولیک الفرج.

صفحه ۸

یک‌شنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۲

۸ شعبان ۱۴۵۵ – شماره ۲۳۵۲۰

moghaavemat@kayhan.ir